

# استبداد

بیست درس از قرن بیستم

تیپوتی اسنایدر

ترجمه‌ی

پیژمان طهرانیان

فرهنگ‌نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۳۹۹

## فهرست مطالب

- |    |  |
|----|--|
| ۱۱ | پیشگفتار: تاریخ و استبداد                        |
| ۱۷ | ۱ پیشاپیش اطاعت نکنید.                           |
| ۲۲ | ۲ از نهادها دفاع کنید.                           |
| ۲۵ | ۳ حواستان به کشور تک‌حزبی باشد.                  |
| ۳۱ | ۴ در مورد چهره‌ی جهان احساس مسئولیت داشته باشید. |
| ۳۷ | ۵ اصول اخلاقِ صنفی - حرفه‌ای را از یاد نبرید.    |
| ۴۱ | ۶ حواستان به شبه‌نظامیان باشد.                   |
| ۴۶ | ۷ اگر مجبورید مسلح باشید، فکورانه عمل کنید.      |
| ۵۰ | ۸ متمایز شوید.                                   |
| ۵۷ | ۹ با زبان‌تان مهربان باشید.                      |
| ۶۴ | ۱۰ به حقیقت باور داشته باشید.                    |

۷۱	تحقیق کنید.	۱۱
۷۹	با دیگران چهره به چهره شوید و گپ بزنید.	۱۲
۸۱	سیاست جسمانی را به کار ببندید.	۱۳
۸۴	پایه‌های زندگی خصوصی را محکم کنید.	۱۴
۸۹	در کارهای خیر مشارکت کنید.	۱۵
۹۲	از همتایان‌تان در کشورهای دیگر بیاموزید.	۱۶
۹۶	حواس‌تان به کلمات خطرناک باشد.	۱۷
۹۹	وقتی که محال از راه می‌رسد، آرامش خود را حفظ کنید.	۱۸
۱۰۶	میهن دوست باشید.	۱۹
۱۱۰	تا می‌توانید شجاع باشید.	۲۰
۱۱۱	پی‌گفتار: تاریخ و آزادی	

## پیشگفتار

### تاریخ و استبداد

تاریخ تکرار نمی‌شود، ولی درس می‌دهد. «پدران مؤسس» [مؤسسان قانون اساسی آمریکا]<sup>۱</sup>، وقتی در مورد قانون اساسی این کشور بحث می‌کردند، از تاریخی که می‌شناختند درس می‌گرفتند. آنها، نگرانِ فروپاشی جمهوری دموکراتیکی که خیالش را در سر می‌پروراندند،

۱. Founding Fathers: اصطلاحی که وارن گ. هاردینگ (بیست‌ونهمین رئیس جمهور تاریخ آمریکا) در ۱۹۱۶ برای اطلاق به مؤسسانِ قانون اساسی آمریکا وضع کرد. ریچارد ب. موریس مورخ در سال ۱۹۷۳ این هفت نفر را به‌عنوان «پدران مؤسس» شناسایی کرد: جان آدامز، بنجامین فرانکلین، الکساندر همیلتن، جان جی، توماس جفرسون، جیمز مدیسون، و جورج واشینگتن، که سه نفرشان عضو کمیته‌ی پنج‌نفره‌ای بودند که بیانیه‌ی استقلال آمریکا از بریتانیا را هم در ۱۷۷۶ امضا کردند. اما برخی بر این عقیده‌اند که اصطلاح «پدران مؤسس» باید به همه‌ی کسانی از همه‌ی اصناف و حتی شهروندانِ عادی اطلاق گردد که به هر نحوی در استقلال آمریکا و تأسیس قانون اساسی این کشور نقش داشته‌اند. ... م.

## پیشاپیش اطاعت نکنید.

بیشتر قدرتِ استبداد را آزادانه و با میل و رغبت به آن بخشیده‌اند. در این گونه بُرّه‌های زمانی، افراد پیشاپیش به این فکر می‌کنند که یک حکومتِ سرکوبگرتر چه خواهد خواست، و سپس خودشان بی‌آنکه از آنها خواسته شود همان را تقدیم می‌کنند. شهروندی که خود را این گونه تطبیق می‌دهد به قدرت می‌آموزد که چه کارها می‌تواند بکند.

علاقه و محض سرگرمی نظاره‌گر بودند. نازی‌ها که فهرست املاک و دارایی‌های یهودیان را در اختیار داشتند هرچه توانستند دزدیدند. و باز مهم‌تر آنکه دیگرانی هم که نازی نبودند با دزدان همدستی می‌کردند. نظریه‌پرداز سیاسی هانا آرنت<sup>۱</sup> چنین به یاد می‌آورد که «وقتی که ارتش آلمان اتریش را اشغال کرد و همسایه‌های غیریهودی شروع به غارت خانه‌های یهودیان کردند، یهودیان اتریش دست به خودکشی می‌زدند.»

اطاعت پیشاپیش اتریشی‌ها در ماه مارس ۱۹۳۸ به سران بلندپایه‌ی نازی آموخت که امکان چه کارهایی را دارند. در ماه اوت همان سال در وین بود که آدولف آیشمن<sup>۲</sup> «اداره‌ی مرکزی کوچاندن یهودیان» را راه‌اندازی کرد. در نوامبر ۱۹۳۸ نازی‌های آلمانی، در پی آنچه در ماه مارس همان سال در اتریش روی داد، برنامه‌ی کشتار جمعی ملی را که با نام «کریستالناخت»<sup>۳</sup> شناخته شد سازماندهی کردند.

در ۱۹۴۱ که آلمان به اتحاد جماهیر شوروی حمله کرد، «اس‌اس»ها به ابتکار خود روش‌هایی برای کشتار جمعی ابداع

۱. Hannah Arendt (1906-1975): نظریه‌پرداز سیاسی تأثیرگذار آمریکایی آلمانی‌تبار، صاحب حدود بیست کتاب و صدها مقاله. - م.

2. Adolph Eichmann

۳. Kristallnacht؛ شب کریستال، از آن به «شب شیشه‌های شکسته» نیز یاد می‌شود. در این شب (غروب روز نهم نوامبر) شیشه‌های مغازه‌ها و ساختمان‌ها و کنیسه‌ها را شکستند و حدود نود یهودی کشته شدند و سی‌هزار مرد یهودی را نیز در اردوگاه‌های کار جمعی بازداشت کردند. - م.

اطاعت پیشاپیش مصیبتی سیاسی است. شاید حکمرانان از ابتدا نمی‌دانسته‌اند که شهروندان مایلند با فلان ارزش یا بهمان اصل کنار بیایند. شاید یک رژیم تازه از ابتدا ابزار مستقیم برای تأثیرگذاری بر شهروندان را به‌نحوی از انحاء در اختیار نداشته است. پس از انتخابات آلمان در ۱۹۳۲ که در نتیجه‌ی آن آدولف هیتلر<sup>۱</sup> امکان یافت دولت تشکیل دهد، یا پس از انتخابات ۱۹۴۶ چکسلواکی که کمونیست‌ها در آن پیروز شدند، گام مهم بعدی اطاعت پیشاپیش بود. از آنجایی که در هر دو مورد به تعداد کافی بودند مردمانی که داوطلبانه خدمات‌شان را در اختیار سران تازه بگذارند، نازی‌ها و نیز کمونیست‌ها هر دو دریافتند که می‌توانند به‌سرعت به سمت تغییر کامل رژیم حرکت کنند. دنباله‌روی‌های سرسری اولیه بعدها قابل برگشت نیست.

در اوایل ۱۹۳۸، آدولف هیتلر که دیگر قدرتش در آلمان تثبیت شده بود، همسایه‌اش اتریش را تهدید به اشغال و الحاق به خاک آلمان می‌کرد. پس از آنکه صدراعظم اتریش تسلیم شد، این اطاعت پیشاپیش مردم اتریش بود که سرنوشت یهودیان اتریشی را رقم زد. نازی‌های اتریشی یهودیان را می‌گرفتند و وادار به سبیدن و شستن خیابان‌ها می‌کردند تا نمادهای اتریش مستقل را بزدایند. و آنچه در اینجا بیش از هرچیز اهمیت داشت آن بود که غیرنازی‌ها هم با

۱. Adolf Hitler (1889-1945)؛ پیشوای حزب نازی، صدراعظم آلمان از ۱۹۳۳، و پیشوای آلمان نازی از ۱۹۳۴ تا ۱۹۴۵. - م.

بودند با میلگرام هماهنگ بودند و فقط وانمود می‌کردند که به آنها شوک وارد شده است. طی این آزمایش یادگیری، هنگامی که آزمایش‌شوندگان به کسانی که شرکت‌کنندگان در آزمون بودند (به خیال خودشان) شوک می‌دادند، با صحنه‌ای هولناک مواجه می‌شدند: کسانی که آنها نمی‌شناختند و شخصاً هیچ‌گله و شکایتی هم از آنها نداشتند ظاهراً زجر زیادی می‌کشیدند: به شیشه‌ی پنجره می‌کوبیدند و از درد قلب می‌نالیدند. با این همه، بیشتر آزمایش‌شوندگان از دستورالعمل‌های میلگرام پیروی می‌کردند که (به خیال خودشان) شوک الکتریکی بیشتری وارد کنند تا وقتی که قربانیان‌شان بمیرند. حتی کسانی هم که این راه را تا مرگ (مرگ ظاهری) ممنوع‌شان ادامه نمی‌دادند، بدون اینکه جویای سلامت دیگر شرکت‌کنندگان باشند، آزمایش را ترک می‌گفتند.<sup>۱</sup>

میلگرام به این دریافت رسید که مردم در برابر قوانین تازه در موقعیتی تازه بسیار پذیرا هستند و، اگر از مقامی جدید دستور بگیرند، تمایل و اراده‌ی شگفت‌انگیزی به آزار رساندن و کشتن دیگران در خدمت اهدافی تازه دارند. میلگرام چنین یاد می‌کرد: «اطاعتی که دیدم آن‌قدر شدید بود که دیگر چندان ضرورتی ندیدم که آزمایش را به آلمان ببرم.»

کردند بدون آنکه دستوری در این مورد دریافت کرده باشند. آنها خواست مافوق‌هایشان را حدس زدند و نشان دادند امکان چه کارهایی وجود دارد. کاری که آنها کردند بسیار فراتر از گمان خود هیتلر بود.

اطاعت پیشاپیش از همان ابتدا به معنای تطبیق دادن خود با موقعیت جدید به طور غریزی و بدون تفکر و تأمل است. آیا فقط آلمانی‌ها چنین کارهایی انجام می‌دهند؟ استلی میلگرام روان‌شناس امریکایی<sup>۱</sup> با تأمل در قساوت‌های نازی‌ها می‌خواست نشان دهد شخصیت خودکامه‌ی خاصی در کار بوده که توضیح می‌دهد چرا آلمانی‌ها چنان رفتاری داشته‌اند. او آزمونی ابداع کرد تا این مسئله را به بوته‌ی آزمایش بگذارد، اما نتوانست اجازه‌ی انجام آن را در آلمان بگیرد؛ بنابراین همین آزمون را در سال ۱۹۶۱ در یکی از ساختمان‌های دانشگاه ییل انجام داد - تقریباً در همان زمانی که آدولف آیشمن به دلیل نقشش در کشتار جمعی یهودیان به دست نازی‌ها در بیت المقدس محاکمه می‌شد.

میلگرام به آزمایش‌شوندگان (که برخی دانشجویان ییل و برخی ساکنان شهرستان نیو هیون بودند) گفت که قرار است آنها، طی آزمونی در مورد یادگیری، شرکت‌کنندگان دیگر را شوک الکتریکی بدهند. در واقع، افرادی که به سیم‌هایی در آن سوی پنجره وصل

۱. شرح مفصل‌تری از این آزمایش در کتاب وضعیت آخر (نوشته‌ی تامس هریس، ترجمه‌ی اسماعیل فصیح، نشر نو، چاپ سی و سوم، صص. ۳۱۱-۳۱۳) آمده است. - م.